

## نقش زبان شناسی در مطالعات انسان شناسی

املیا نرسیسیانس<sup>۱</sup>

بخش اول این مقاله، اشاراتی به زبان و کاربرد آن در حوزه های مختلف خواهد داشت. سپس در بخش دوم، با نظریه های سایپرو، ورف، چامسکی، گومپرز و کومیز، در مورد زبان و رابطه آن با فرهنگ، بحث را ادامه خواهیم داد. نتیجه گیری و کاربرد مقولات نظری در حیطه فراگیری زبان به صورت عام و فراگیری زبان دوم به صورت خاص، بخش سوم مقاله را تشکیل می دهد.

### بخش اول

کسی واقعاً نمی داند که انسان چگونه و تحت چه شرایطی به فراگیری میراث دیرینه اش یعنی زبان، پرداخت. البته نظریه های اثبات نشده ای نیز در این زمینه وجود دارد که به هر حال تا حدودی جواب گوی این معما می باشد. پدیده ای که به وضوح قابل لمس می باشد، این است که هیچ گروه انسانی وجود ندارد که برای ابراز عقاید و آراء خود، از یک نظام نشانه ای به نام زبان بهره نبرد. اکثر تعاملات انسانی از طریق زبان

---

۱- عضو گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. سخنرانی ایراد شده در انجمن جامعه شناسی ایران

۲- نظریه bow-wow که معتقدند زبان بر اساس مشابهت به صداهای طبیعی و برگرفته شده از طبیعت بوجود آمده است. یا نظریه pooh-pooh که معتقدند زبان اساس ابراز احساسات خاص در مواقع تعجب، درد، لذت، ترس و غیره بوجود آمده است و یا تئوری های دیگری مثل yo-ho-ho یا sing song و غیره

صورت می‌گیرد، و از آن در هر شرایطی می‌توان بهره برد. شما می‌توانید هنگامی که به کار دیگری اشتغال دارید و یا به طور کل در هر شرایط فیزیکی و جوی و روانی مانند برف و باران، تاریکی و روشنایی، شادی، ترس و اضطراب و غیره از زبان استفاده کنید (Pei, 1971). و شاید به دلیل همین سهولت بوده است که اجداد ما بیش تر از هر وسیله ارتباطی دیگر مانند علامتها، نقاشی و یا خط، به زبان پرداخته‌اند. این مقوله اساساً می‌تواند به مثابه‌ی یکی از ابزار ارتباطی مورد استفاده قرار گیرد، برای بیان احساسات و عواطف پیچیده‌ی انسانی و یا حل و فهم مسائل مبهم علمی و فلسفی و یا برای بازسازی آثار هنری و حوادث گذشته از آن استفاده کرد و اشخاص را تحت تاثیر قرار داد و یا در دادگاهها، سرنوشت انسان را تغییر داد.

هالیدی به سال ۱۹۷۳، نظریه‌ای راجع به موارد کاربرد زبان، به شرح زیر، بیان کرده است:

- ۱- ابزار (برای ارضاء نیازهای انسانی)
  - ۲- قاعده و قانون (برای کنترل رفتار دیگران)
  - ۳- تعاملی (برای ارتقاء روابط اجتماعی)
  - ۴- شخصی (برای بیان و ابراز شخصیت)
  - ۵- تصویری (برای خلاقیت و بازی گری)
  - ۶- توضیحی (برای شرح و بیان مسائل)
- البته غیر از هالیدی کسان دیگری مثل هایمز (۱۹۷۴) و یاکوبسن (۱۹۷۰) و رابینسون (۱۹۷۲) نیز اشاراتی به همین مقولات ولی تحت عناوین دیگر، دارند.

### بخش دوم: فرضیه سایپرو و ووف

ادوارد سایپرو به سال ۱۹۳۱ و بنجامین لی ووف به سال ۱۹۵۶، عقیده داشتند که زبان های مختلف قادر هستند تا سخنوران آن زبان را به جهت خاصی از طرز تفکر و جهان بینی هدایت کنند، به عبارتی دیگر، زبان در سطح ساخت و واژگان می‌تواند بر اندیشه و ادراک سخنورانش تاثیر بگذارد. به عنوان مثال در مورد ساخت زبان و تاثیر آن در ذهنیت افراد، می‌توان به ضمیر سوم شخص مفرد در زبان انگلیسی پرداخت که نشان دهنده‌ی جنسیت ضمیر نیز هست، در صورتی که در زبان های دیگر از جمله فارسی، ضمیر سوم شخص مفرد در برگیرنده چنین اطلاعاتی نیست، پس می‌توان چنین

پنداشت که سخنوران انگلیسی زبان، پاره‌ای از توجه خود را معطوف به جنسیت می‌کنند. همچنین در زبانهای هند و اروپائی زمان انجام فعل بر اساس ذهنیت تک خطی استوار است که می‌توان در آن، زمان وقوع را در گذشته و حال و آینده، تشخیص داد. در حالیکه در زبانهای دیگر مشخصاً هویی (زبان عده‌ای از سرخپوستان امریکا)، وقوع فعل بر اساس معرفت و آگاهی گریخته از انجام فعل، مشخص می‌شود. به عنوان مثال اگر گریخته شاهد انجام عمل دویدن، بوده‌است و این عمل به انجام رسیده و تمام شده، از فعل wari استفاده می‌کند. ولی اگر وقوع عمل دویدن چیزی است که شخص انتظار آن را دارد، در اینصورت از فعل warikin استفاده می‌کند. در اینجا به جدول مقایسه شماره ۱ توجه کنید:

فارسی		هویی	
فعل	زمان وقوع فعل	فعل	وضعیت آگاهی فرد نسبت به فعل
می دود	حال	wari	آگاهی از وقوع فعل دویدن
دوید	گذشته	wari	آگاهی از پایان و انجام فعل
خواهد دوید	آینده	warikin	انتظار وقوع فعل دویدن

در مورد واژگان، خصوصاً واژگان وصفی<sup>۱</sup> و تاثیر آن بر ادراک استفاده‌کنندگان، می‌توان برای مثال به کلمه برف در بین اسکیموها پرداخت که حتی برای عده‌ای از مردم، تمیز دادن انواع مختلف برف و نامگذاری خاص بر اساس تنوع اقسام، برف کاری بس دشوار است، و همچنین تنوع واژگان برای انسان در میان نوثرهای سودان<sup>۲</sup> (Brown 1965), (Eastman 1965).

البته بر اساس نیاز می‌توان واژگان یک زبان را وسعت داد و واژگان جدیدی را وارد

زبان کرد که این نوآوری‌ها می‌تواند با زاده شدن لغات جدید در همان زبان و به همان زبان باشد، مانند: بهینه‌سازی، فراتجدد، رایانه، یارانه و ترابری، منطبق شود. و یا این نوآوری می‌تواند جنبه فرضی داشته باشد و از زبان دیگری گرفته شود، مثل چپیس، پلیس، سونا، گریپ فروت، الو و غیره. گسترش تکنولوژی باعث می‌شود تا لغات جدیدی از زبانهای خارجی وارد زبان بومی شود. مثل فاکس، اینترنت، موبایل، CPU, VHS, CD و غیره.

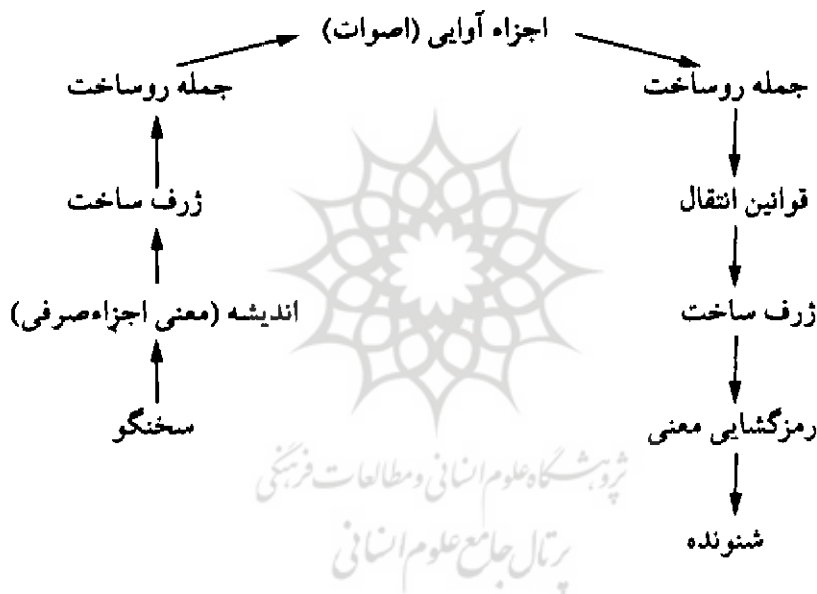
آنچه ما امروزه شاهد آن هستیم، تداخل و تاثیر زبان، فرهنگ و اذهان بر یکدیگر است به طوری که تاثیر تغییرات بوجود آمده را می‌توانیم در زبان و ذهنیت افراد، مشاهده کنیم. لاکف به سال ۱۹۶۵، اشاره به واژگان مختلفی دارد که در بین جمعیت زن عصر مدرن، در مورد رنگها وجود دارد، او معتقد است که زنان در مقایسه با مردان نسبت به رنگها حساس‌ترند و در خزانه‌ی لغات آنها واژگان بیشتری در مورد رنگ وجود دارد. این تمایز در مورد رنگ همراه با گسترش صنایع نساجی و مواد آرایشی بوده‌است. این تمایز در مورد مردان، در استفاده از واژگان مربوط به ورزش به علت گسترش صنایع مخابراتی از قبیل رادیو، تلویزیون و ماهواره در ربع قرن اخیر بیش‌تر شده‌است. بنابراین تغییرات فرهنگی می‌توانند تاثیر در تغییرات واژگان بگذارند. سایپرو. ووف معتقدند که زبانهای مختلف، طرز تفکر مختلف را بوجود می‌آورند، در حالیکه چامسکی نقطه نظر دیگری در این مورد دارد،

### نظریه چامسکی

چامسکی معتقد است که وجه تمایز انسان از موجودات دیگر در بکارگیری زبان به عنوان یک نظام ارتباطی است. هر کودک طبیعی که در اجتماع بزرگ می‌شود، قادر است تا به آسانی و بدون کمک دیگران زبان مادری خود را فراگیرد. فراگیری زبان بر اساس وجود مجموعه‌ای از کلیات زبانی مربوط به مفاهیم دستوری، از قبیل جمله مبتدا و خبر و یا اصولی که ژرف ساخت (ساخت منطقی) یک گفتار را از روساخت (ساخت آوایی) آن متمایز می‌کند. یا اصولی که ژرف ساخت و روساخت را به هم پیوند می‌دهند، مربوط می‌شود که در همه‌ی زبانها دارای قواعد مشابهی است. به این دلیل بود که چامسکی با مشاهده‌ی این اشتراکات و مشابهات نظریه‌ی دستور زبان همگانی را بیان کرد، (چامسکی ۱۹۷۲)

چامسکی وجه تمایزی بین توانش زبان شناختی<sup>۱</sup> (آنچه که سخنگو در مورد زبان خود برای بیان و فهم می‌داند) و اجرا<sup>۲</sup> (آنچه که سخنگو در شرایط اجتماعی بیان می‌کند)، قائل است.

توانش زبان شناختی، در دوران کودکی بدست می‌آید و به صورت معرفت ناآگاهانه انسان نسبت به سطوح مختلف زبان شناختی است، از قبیل اصوات، صرف و نحو جایگاه خود را در ژرف ساخت می‌یابد. هرگاه سخنگو، بخواهد اندیشه‌ای را بیان کند، جمله در ذهن او بوجود می‌آید که این فرایند در ژرف ساخت



صورت می‌پذیرد، که بر اساس قوانین خاص انتقال<sup>۳</sup> جمله، به روساخت منتقل شده سپس و از طریق اصوات یا گفتار از سخنگو به شنونده انتقال داده می‌شود و هرگاه جمله‌ای گفته شد، شنونده معنی آن جمله را به فرایند معکوس ژرف ساخت خود می‌برد و از آن درک معنی می‌کند (شکل ۲).

در ژرف ساخت قوانین مربوط به توانش زبان شناختی وجود دارد و ژرف ساخت

1- Linguistic competanace

2- Linguistic performance

3- Transformational rules

جایی است که زبان به معنی "langue" می‌باشد و روساخت محلی است که زبان به معنی "parole" یا گفتار است، قرار دارد. در ضمن می‌توان رابطه‌ای نزدیک بین زبان - بنابر تعریف از زبان ۱۹۵۹ - و ژرف ساخت و توانش زبانی (چامسکی) از یک سو و از سوی دیگر، رابطه بین گفتار - بنابر تعریف دو سوسور از گفتار - ، روساخت و اجرا (چامسکی) پیدا نمود.

### توانش ارتباطی

همانطور که گفتیم، توانش زبان شناختی، شامل قابلیت هایی است که سخنگو از طریق آن بتواند جملات خوش ساخت و صحیح از نظر دستوری تولید کند. و اما توانش ارتباطی قابلیت انتخاب و ارائه صحیح شکلی از جمله است (منظور مجموعه‌ای از جملات صحیح از نظر سطوح مختلف زبانی)، که در شرایط خاص اجتماعی، منعکس شده از هنجارها و رفتارهای قابل قبول باشد. پس توانش زبان شناختی شامل قابلیت هایی است که سخنگو از طریق آن بتواند جملات صحیح از نظر ساخت، بسازد. آگاهی ما از قوانین دستوری موجود در زبان (آگاهانه و ناآگاهانه)، به ما این فرصت را می‌دهد که بتوانیم آنچه را در ذهن داریم بیان نموده و به این ترتیب با دیگران صحبت کنیم و صحبت آنها را درک کنیم و بتوانیم بر اساس قوانین محدود و دستوری، جملات نامحدود و بدیع خلق نماییم. پس در مخیله ما مجموعه‌ای از اشکال صحیح دستوری وجود دارد که ما بتوانیم بنابر موقعیت های گوناگون اجتماعی، برای انعکاس وضعیتی خاص، انتخابی از این مجموعه داشته و منظور خود را با در نظر گرفتن هنجارهای موجود در اجتماع بیان کنیم (گومپرز، ۱۹۷۲).

این بخش از قابلیت انسان را توانش ارتباطی<sup>۱</sup> می‌نامیم. توانش ارتباطی سخنگویان مجموعه‌ای از معرفت ها و مهارت‌های سخنگو در کنار آگاهی کامل از زبان است، که سخنگو باید بداند که با دیگران در چه شرایطی و چگونه صحبت کند. همچنین سخنگو می‌داند که در چه مواقعی باید خاموش باشد و چگونه سر صحبت را باز کند، از چه مهارت‌هایی برای ادامه و توسعه صحبت استفاده کند و در آخر چگونه صحبت را به پایان ببرد. توانش ارتباطی، رابطه مستقیم با فرهنگ دارد. فرهنگی که سخنگو می‌خواهد در

آن جامعه با افراد ارتباط برقرار کند. او باید با اشکال مختلف ارتباطی، کدهای تفسیری موجود در اجتماع، انتظارات افراد از یک گفتگو و طرز رفتار زمانی یک گروه، آشنا باشد. که همه اینها در واقع برگرفته شده از رمزهای فرهنگی است که باید از طرف سخنگو درک شود و بنوبه‌ی خود اعمال شود. (ساویل تروایک ۱۹۸۳)

### توانش شناختی

انسان در طول زندگی خود به توانایی ترکیب توانش زبان شناختی، توانش ارتباطی - فرهنگی و سپس توانش شناختی دست می‌یابد.

### بخش سوم: فراگیری زبان دوم

اسکوت‌ناب کانگاس و توکوما (۱۹۷۶)، متوجه شدند که کودکان دو زبانه در بازی‌های روزمره خود با کودکان تک زبانه، قادر به استفاده از زبان به صورت روانی سطحی<sup>۱</sup> در مورد زبان دوم خود هستند، ولی نتایج ارزیابی دروس آنها که مستلزم داشتن معرفت مفهومی<sup>۲</sup> است، حاکی از تک‌زبانه‌ها بود. بعدها این ایده توسط کومپرز (۱۹۷۶-۱۹۸۰) تحت عنوان مهارتهای اساسی ارتباطی بین شخصی<sup>۳</sup> یا اصطلاحاً (Bics) و مهارت زبان شناختی - تحصیلی یا (CALP) طبقه بندی شد. که مهارت های (Bics) را در روابط روزمره افراد و در شرایط رو در رو می‌بینیم و مورد استفاده قرار می‌گیرد. شوی (۱۹۸۱)<sup>۴</sup> از اصلاح و استعاره "کوه یخ"<sup>۵</sup> استفاده کرد و گفت: آنچه در قسمت سطحی کوه یخ قابل رویت است مهارتهای سطحی و روانی است که شامل پردازش زمانی است و وجه دیگر زبان که در زندگی روزمره کاربرد دارد و قابل اندازه‌گیری می‌باشد، از قبیل تلفظ واژگان، تعداد واژگان و دستور زبان در این قسمت قرار دارد. همچنین در قسمت عمقی مهارتهای شناختی و آکادمیک که شامل معانی صرفی و معانی کاربردی و غیره می‌باشد قرار دارند. طبق مدل شوی پردازش شناختی در قسمت کوه یخ صورت می‌گیرد.

1- Surface fu

2- Conceptal knowledge

3- Basic interpersonal communicative skills (Bics)

4- Cognitive / Academic language \_ proficiency (CALP)

5- Iceberg metaphor

## نتیجه‌گیری

در مطالعات انسان‌شناسی، زبان از نقش اساسی و مهم برخوردار می‌باشد که در این مقاله به سه جنبه از این موضوع اشاره شده است. در درجه اول، انسان‌شناسی به چگونگی پیدایش زبان در تکامل انسان، نقش زبان به عنوان وجه تمایز انسان از انواع دیگر و کاربردهای مختلف زبان علاقه‌مند می‌باشد. زبان یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین صفات قومی است که نقش و جایگاه موجود ناطق و سخنگو را در طبیعت مشخص می‌سازد. مروری بر نظریه‌های هالیدی، هایمز، پاکوشن و رایینسون، بخش اول این گفتار را تشکیل می‌داد.

انسان‌شناسی همچنین به نقش زبان به عنوان یک عامل تعیین‌کننده و محدود‌کننده فعالیت‌های ذهنی تفکر انسان علاقه‌مند است. یادگیری زبان تا چه حد برای انسان یک عمل ذاتی و ذهنی است و از طبع و مشخصات زیستی او سرچشمه می‌گیرد؟ تا چه میزان مقوله اجتماعی و فرهنگی است؟ چه چیز در زبانهای مختلف مشترک می‌باشد؟ آیا تفکر افرادی که در زبانهای مختلف سخن می‌گویند، متفاوت است؟ توانش و قابلیت‌های مختلف انسان چگونه با یادگیری زبان توسعه می‌یابد؟ که در این موارد، نظریه‌های چامسکی، سایپرو، ورف، گومپرز، کومیز و دیگران، درباره مسائل ذکر شده، که در بخش دوم گفتار مطرح گردیدند.

دیدگاه زبان‌شناختی در مورد جهان شمولی یا نسبیّت زبانی هر چه باشد، فراگیری یک زبان و تاثیر آن بر حیات فرهنگی و شخصیت فرد و جامعه همواره در کانون توجه قرار خواهد داشت. دو زبانی از این دیدگاه، پدیده‌ای جالب است. مطالعه فرایند یادگیری زبانهای اول و دوم (زبان‌های بعدی) در فرایند رشد طبیعی و اجتماعی شدن هر فرد و یا در فرایند آموزش‌های رسمی و نیمه رسمی برای انسان‌شناسی بسیار مهم است. اهمیت موضوع به ویژه از دیدگاه انسان‌شناسی اجتماعی، انسان‌شناسی فرهنگی و در بررسی اثرات متقابل زبان به معقولات دیگر فرهنگی اجتماعی می‌باشد. بررسی این پدیده، بخش آخر گفتار را تشکیل می‌دهد.

البته موارد دیگری از نقش و اهمیت زبان‌شناسی در مطالعات انسان‌شناسی وجود دارد که در این گفتار به آنها اشاره نشده است. به عنوان مثال می‌توان با تعمیم دادن دیدگاه ساختارگرا در زبان‌شناسی، به بررسی‌های انسان‌شناسی و مردم‌شناسی و از اهمیت واژه‌های محلی در تعریف ساختها و مقولات انسان‌شناسی فرهنگی یاد کرد.



همچنین از نظر روش‌شناسی، برخی از مکاتب جدید زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان در سال‌های اخیر این امکان را ایجاد کرده‌اند که روش موردی متداول به مطالعات انسان‌شناسی در جهانی‌گسترش یابد که بررسی جامع این موارد نیاز به تحلیل جداگانه دارد.

### منابع

- 1- Bloom.B.S and Krathwohi. 1977, Taxonomy of Educational objectives. Hand book I. cognitive Domain New yoek. longmaun.
- 2- Brown .R.W. 1958, Words and Things. Gleneve il: Free press.
- 3- Chomsky.N. 1957, syntacic. structuures. The Hague,: Mouton.
- 4- Cummins. J. 1980. The Cross. lingnal dimensions of language. ficency: Implicat for bili gual education and The optimal ago issue TESOL Quart 14 175-87.
- 5- Eastman, c.m 1975, Aspects of language and culture, San Francisco Chandler and Sharp Gumperz, J.J. 1972 sow linguistics and small Group inprido and Halliday. M.A.X 1975 Explorations in The cunotios of language London: Eward Arnold.
- 6- Hymes: D.H 1974 Foundations in Sociolingistic An Ethnographic Approach Philadelphia University of Pensylvania press.
- 7- Jakobson. R. 1960. Closing Statement: linguistics and poetices. In T.A Sebook (ed). Style in language. New York: john W. ley.
- 8- Lakoff R. 1975 language and womans place. New York. Harper and Row
- 9- Pearok S.I. and A. Thomas Kirsch 1973 The Humman Direction: An er Tionay Appro to so and An thropbgy . pp (7-8. New York . englewood. cupps.
- 10- Robinson, w.p (1972) Language and Social Beha Vior, England: Penguin Books, 1931, conceptual categories in primitive languages.s 74:518-584

- Saville-Troike.M 1983. An Anthropological linguistic perspeetiv on uses of Ethnography in Bilingual language proficiency Assessment, PP. 88-106 language Behavior Multi lingual Mattoes ed. eh. Riveca clever. Aron.
- 11- Shuy. R.W.1981 conditions Affectiny language. learning and Maintenance Among Hispanies in the U.S. NABE Sournal 6,1-18.
- 12- Saussure.F.de 195, course in General linguistic New York: Philosophical Library. Skutnab-Kangas.T.and P. Tonkoma 1976.
- 13- Teaching.Migrant Childrens Mother Tongue and learning the language of the Host country in the context of the sociocultural situation of the Migrant Family. Helsinky: The Finish National commission for UNESCO.
- 14- Whorf.B.L 1956 A. Linguistic consideration of thinking in primitive communities. in language Text and Reality, Selected writhings of Benjamin Lee Whorf ed. Carroid pp 65-86 Cambridge. Mit Press.